



## شناخت انواع بیمه (۴)

### ۴ - اصل جانشینی

یکی دیگر از اصول بیمه که شاید به تعبیری بتوان آن را نتیجه اجرای اصل جبران خسارت نیز در نظر گرفت. اصل جانشینی یا قائم مقامی و یا حق رجوع به مسؤول حادثه است که ذیلاً توضیح داده می‌شود.

در صورتی که در حادثه‌ای عامل ایجاد حادثه و خسارت مشخص و شناخته شده باشد، بیمه‌گذار این حق را دارد که خسارت خود را از مسؤول حادثه مطالبه نماید، در واقع در این حالت بدون مراجعه به بیمه‌گر و استفاده از مزایای بیمه‌نامه و از بیمه‌گر دریافت نمایند و طبیعی است که به موجب اصل خسارت در این صورت و به شرط جبران خسارت از طرف بیمه‌گر، نمی‌بایست از مسؤول ایجاد حادثه نیز خسارتی دریافت دارند والا موجب نفع و استفاده آنان می‌شود. به این جهت در قراردادهای بیمه بین طرفین قرارداد توافق می‌شود (معمولاً در شرایط عمومی بیمه‌نامه) که در چنین موردی که حادثه، مسؤول مشخص و شناخته شده‌ای دارد، خسارت توسط بیمه‌گر جبران شود اما بیمه‌گر از حقی که بیمه‌گذار در مقابل مسؤول حادثه دارد، استفاده نماید. بنابراین با پرداخت خسارت به بیمه‌گذار حق رجوع او به مسؤول حادثه به بیمه‌گر واگذار می‌گردد و بیمه‌گر می‌تواند اقدامات لازم را جهت وصول مبلغ خسارت از مسؤول حادثه به عمل آورد.

به موجب ماده ۳ قانون بیمه، بیمه‌گر در حدودی که خسارت وارده را قبول یا پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که

مسؤول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه‌گذار خواهد بود. و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد، در مقابل بیمه‌گر مسؤول شناخته می‌شود.

انتقال حق رجوع از بیمه‌گذار به بیمه‌گر در واقع مبتنی بر اصل جبران خسارت و به منظور احتراز از دریافت خسارت مکرر و متعدد توسط بیمه‌گذار می‌باشد و در این خصوص توجه به نکات زیر ضروری است:

۱ - همانگونه که اصل جبران خسارت در بیمه‌های اشخاص (عمر و حادثه جسمانی) کاربردی ندارد، لذا اصل جانشینی نیز در مورد بیمه‌های مذکور مصداق نداشته و در واقع قلمرو اجرای اصل جانشینی بیمه‌های اشیاء و مسؤولیت می‌باشد.

۲ - در واقع بیمه‌گر نتیجه اجرای اصل جانشینی را که دریافت و یا به عبارت دیگر بازپرداخت مقداری از خسارت می‌باشد در محاسبات نرخ حق بیمه و آمار مربوط ملحوظ می‌دارد.

۳ - بیمه‌گر فقط پس از پرداخت خسارت و یا قبول پرداخت آن صاحب این حق می‌شود.

۴ - حق بیمه‌گر محدود به مبلغی است که می‌پردازد و یا تعهد پرداخت آن را می‌نماید، بنابراین اگر بیمه‌گر به لحاظ ناقص بودن پوشش بیمه‌ای و یا وجود شرط فرانشیز و یا محدودیت در تعهد فقط قسمتی از خسارت را قبول یا پرداخت کند، نسبت به آن قسمت از خسارت که به عهده بیمه‌گذار باقی مانده حق رجوع به مسؤول حادثه نیز برای بیمه‌گذار محفوظ می‌ماند، به عبارت دیگر در

این صورت بیمه‌گذار و بیمه‌گر به نسبتی که خسارت را تحمل کرده‌اند در حق رجوع به مسؤول حادثه نیز سهیم می‌شوند.

از دیگر اصول بیمه می‌توان از اصل تعاون، اصل احتمال، اصل تناسب و اصل علیت نیز نام برد، که به اختصار توضیح داده می‌شوند.

### ۵ - اصل تعاون

اصولاً قراردادهای مختلف بین افراد به صورت مستقل و مجزایی از قراردادهای دیگر منعقد و انجام می‌شود، مثلاً اگر فروشگاه‌های روزانه صدها مشتری دارد هیچ گونه ارتباطی بین آنان مطرح نیست، لکن در بیمه، بیمه‌گذاران مختلف اگرچه با یکدیگر آشنا نیستند اما به یکدیگر مربوط می‌شوند زیرا کار بیمه‌گر در واقع دریافت حق بیمه‌های کوچک از تعداد کثیر بیمه‌گذار و جبران خسارتها از محل همین حق بیمه‌هاست. بنابراین خسارت یک بیمه‌گذار بین تعداد بیمه‌گذاران سرشکن می‌گردد و بدین ترتیب بین بیمه‌گذاران مختلف ارتباط تعاونی برقرار می‌گردد و بر اساس تعریف جامع و کاملی که از بیمه می‌شود، بیمه‌گر هرگز با یک بیمه‌گذار قرارداد بیمه منعقد نمی‌نماید و اگر چنین باشد عمل مذکور بیمه نامیده نمی‌شود.

بیمه‌گر شخصیت حقوقی است که با تعداد بسیار زیادی بیمه‌گذار طرف معامله است و از هر یک از آنان حق بیمه محاسبه شده‌ای را دریافت می‌نماید تا خسارت‌های سنگینی را که برای بعضی از آنان حاصل

می‌شود جبران نماید. در واقع نقش، بیمه‌گر نقش مدیریتی است که در ضمن نقش بسیار حساسی نیز می‌باشد، زیرا صندوق تعاون یادشده در صورتی می‌تواند دوام و بقاء داشته باشد که اداره امور آن بر اساس آمار و احتمالات، به دقت محاسبه و پیش بینی‌ها با واقعیات نزدیک و در نهایت منطبق باشد و بدیهی است در صورتی که محاسبات و احتمالات، صحیح و دقیق نباشد بیمه‌گر ناگزیر خواهد بود برای جبران خسارتها از سرمایه خود نیز مقداری بپردازد و یا برعکس سود عاید او گردد.

لازم به یادآوری است که بیمه‌گر با انعقاد قراردادهای اتکائی می‌تواند اثر اختلاف یادشده را نیز تا حد بسیار زیادی منتفی نماید.

## ۶- اصل احتمال

در هر معامله‌ای تعهدات طرفین به صورت قطعی انجام می‌شود. موضوع معامله یا مالی است که تحویل می‌گردد و یا خدمتی است که انجام می‌شود ولی در بیمه آنچه توسط بیمه‌گر تعهد می‌شود جبران خسارت یا پرداخت وجه احتمالی است، و در واقع بیمه از جمله عقود اتفاقی است، به این معنی که انجام تعهد بیمه‌گر احتمالی و مشروط به بروز واقعه‌ای می‌باشد که احتمال وقوع آن هنگام انعقاد عقد، بیمه گردیده است.

لازم به ذکر است در بعضی از انواع بیمه‌های اشخاص مانند بیمه تمام عمر که تعهد بیمه‌گر پرداخت وجه مبلغ بیمه پس از فوت بیمه شده است تعهد بیمه‌گر قطعی است لکن زمان ایفاء تعهد مشخص نیست. باید توجه داشت که احتمال هر امری طی زمانی مشخص، معین می‌گردد، مثلاً اگر بگوئیم احتمال تصادف اتومبیل در هر سال ۴ درصد است پس احتمال اتومبیل در ۲۵ سال صددرصد است. همچنین اگر تعداد زیادی اتومبیل در معرض تصادف باشند بااطمینان بیشتر می‌توان تعداد تصادف آنها را پیش بینی نمود، یعنی اگر احتمال تصادف یک اتومبیل در سال ۴٪

باشد در تعداد یک میلیون اتومبیل ۴۰ هزار تصادف در سال واقع خواهد شد (بادقت بیشتر). لکن در رابطه با یک اتومبیل و یک بیمه‌گزار باید بپذیریم که آنچه بیمه‌گر به عنوان جبران خسارت انجام می‌دهد امری کاملاً احتمالی و غیرقطعی است مگر اینکه تعهد اصلی بیمه‌گر را ایجاد امنیت و ارایه تأمین بدانیم که در این صورت جبران خسارت ابزار و وسیله انجام این تعهد است.

## ۷- اصل تناسب

اصولاً در همه معاملات تعهدات بین دو طرف از لحاظ ارزش مالی آن برابر و یا تقریباً برابر است. مثلاً بین ارزش خانه و قیمت آن در معامله تفاوت محسوسی وجود ندارد. نمی‌توان مالی را به چندبرابر ارزش واقعی آن فروخت و یا خانه‌ای را به چندبرابر مال الاجاره آن اجاره کرد مگر در معاملاتی که طبیعت آن وجود چنین اختلافی را ایجاب کند مثل هبه معوض که حالت استثناء دارد. به همین جهت در بیع خیار غبن وجود دارد و در هر معامله دیگری در صورت اختلاف فاحش بین دو تعهد ممکن است قاضی دلایلی مبنی بر تدلیس و اغفال و فقدان رضای یکی از متعاملین را کشف و حکم به ابطال عقد را صادر کند.

اما در معامله بیمه تعهدات دو طرف نمی‌تواند و نباید برابر باشد. از آنجا که پرداخت خسارت از طرف بیمه‌گر احتمالی است، رقم حق بیمه‌ای که بیمه‌گزار می‌پردازد به نسبت احتمال خسارت باید کمتر باشد. پس برابری یا تعادل بین تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گزار وجود ندارد بلکه تعهدات دو طرف بایستی متناسب باشد با احتمال وقوع حادثه. یعنی اگر احتمال وقوع حادثه حریق برحسب اطلاعات به دست آمده در حدود یک در هزار باشد، حق بیمه‌ای را که بیمه‌گزار می‌پردازد نیز بایستی تقریباً یک هزارم ارزش مورد بیمه باشد. پس در بیمه به جای تعادل تعهدات، تناسب بین آنها مطرح است. البته رعایت این تناسب

لازم است اما تشخیص آن برای بیمه‌گزار مشکل است، زیرا بیمه‌گزار دسترسی به آمار و امکان تشخیص درجه احتمال را ندارد، و نسبت بین حق بیمه و مبلغ بیمه را به دقت نمی‌شناسد. به همین جهت است که در اغلب کشورها مراجع ذیصلاح در تنظیم تعرفه‌های مورد عمل بیمه‌گران دخالت و نظارت می‌کنند.

## ۸- اصل علیت یا سبب بلافصل خسارت

منظور از اصل علیت عبارتست از اینکه بین حادثه بیمه شده و خسارت مورد ادعای بیمه‌گزار می‌بایست رابطه علت و معلولی موجود باشد. بدین معنی که خسارت ایجاد شده معلول حادثه بیمه شده باشد. بنابراین اصل، یکی از مواردی که بیمه‌گزار یا استفاده کننده از مزایای بیمه جهت دریافت خسارت و یا حتی غرامت (در بیمه‌های اشخاص) می‌بایست اثبات نماید، همین مطلب اصل علیت است و در صورتی که رابطه مذکور موجود نباشد، طبیعی است که بیمه‌گر نیز تعهدی به جبران خسارت وارده ندارد، زیرا بیمه‌گر جبران خسارت را به هر دلیل و علتی که باشد تعهد ننموده و در واقع جهت علت یا علل خاص نرخ حق بیمه مربوط را محاسبه نموده است.

برای مثال در صورتی که کارخانه‌ای فقط در مقابل خطر آتش سوزی بیمه شده باشد (تعهد بیمه‌گر جبران خسارت مستقیم ناشی از خطر حریق می‌باشد) و بلیتات طبیعی از جمله زلزله جزو تعهدات و خطرات مشمول پوشش بیمه‌گر نباشد و کارخانه مذکور بر اثر زلزله منهدم و زمین لرزه موجب بروز حریق نیز شود، بیمه‌گر تعهدی در جبران خسارت ناشی از حریق نیز نخواهد داشت زیرا سبب بلافصل خسارت حریق ایجاد شده، زمین لرزه است که مورد تعهد بیمه‌گر نبوده و بیمه‌گر نیز بابت آن حق بیمه‌ای دریافت ننموده است.

